

بررسی و نقد کتاب اصول برنامه‌ریزی درسی

شراره دالوندی*

چکیده

هدف از نقد کتاب‌ها بالا بردن کیفیت آن‌ها و آگاهی بیشتر و بهتر دانشجویان و خوانندگان آن‌هاست. برنامه‌ریزی درسی یکی از درس‌های تخصصی گروه علوم تربیتی است، ولی متأسفانه در این زمینه منابع زیادی نداریم؛ اکثر کتاب‌هایی که در این زمینه چاپ شده‌اند به علت حجم زیاد، ثقیل بودن، یا ناهم‌خوانی با سرفصل‌های شورای عالی برنامه‌ریزی برای معرفی کردن به دانشجویان، به‌منزله منبعی که مناسب برای واحد درسی دانشگاهی باشد، درخور استفاده نیستند.

در این مقاله کتاب *اصول برنامه‌ریزی درسی*، تألیف محمدحسین یارمحمدیان، به طور اجمال معرفی و در ادامه از دو دیدگاه، ظاهری و محتوایی، نقد و بررسی شده است.

کلیدواژه‌ها: برنامه‌ریزی درسی، مبانی برنامه‌ریزی درسی، مراحل برنامه‌ریزی درسی، برنامه‌ریزی آموزشی، برنامه درسی پنهان.

۱. مقدمه

رشته برنامه‌ریزی درسی در سال ۱۹۱۸ با انتشار کتاب فرانکلین بوییت، به‌منزله یکی از حوزه‌های تخصصی قلمرو تعلیم و تربیت، به رسمیت شناخته شد؛ بنابراین، برنامه‌ریزی درسی یکی از رشته‌هایی است که متعلق به اوایل قرن بیستم است و عمر طولانی ندارد.

بر اساس کتاب‌نامه و مقاله‌نامه منتشر شده در 'ویژه‌نامه برنامه درسی' و در فصل‌نامه تعلیم و تربیت که در سال ۱۳۷۸ انتشار یافته، مجموعه آثار منتشر شده در حوزه برنامه درسی، اعم از ترجمه و تألیف، کم‌تر از بیست مورد است (مهرمحمدی، ۱۳۸۱: ۸).

* کارشناس ارشد آموزش و پرورش تطبیقی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی rshekufeh@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۰/۱۴

اگر انتشار کتاب جدیدی بتواند ضعف علمی ما را بهبود بخشد و دروازه‌های نوینی به روی بینش و آگاهی‌های ما بگشاید، لازم است معرفی شود و مورد توجه و حمایت قرار گیرد و از مؤلفان یا مؤلف صاحب‌نظر و اندیشمند قدردانی شود، ولی اگر در ترجمه یا تألیف کتابی غنای کافی مشاهده نشود و کتاب ضعف محتوایی و علمی داشته باشد و یا حاصل اقتباس محض از آثار دیگران باشد، چنین کتابی نمی‌تواند نقش معنی‌دار و مطلوبی در ارتقای سطح دانش و بینش دانشجویان و علاقه‌مندان آن رشته ایفا کند.

نویسنده باید به جزئیات موضوع مورد بحث احاطه کامل، و در حوزه مورد نظر اطلاعات غنی و گسترده‌ای داشته باشد که مطالب در تحلیل نهایی به خوانندگان به طور ناقص ارائه نشود.

۲. معرفی کتاب

کتاب *اصول برنامه‌ریزی درسی*، تألیف محمدحسین یارمحمدیان در سال ۱۳۷۷، به چاپ دوم نیز رسیده است. موضوع کتاب، چنان که از نام آن پیداست، درباره اصول برنامه‌ریزی درسی است؛ همان طور که در پیش‌گفتار کتاب ذکر شده است، یکی از اهداف تدوین این کتاب کمک به دانشجویان دوره کارشناسی علوم تربیتی به منظور تأمین متن درسی مناسبی است که بتواند سرفصل‌ها و عناوین این درس را پوشش دهد. علاوه بر این، استفاده از چهار فصل اول این کتاب برای درس مبانی آموزشی نیز پیشنهاد شده است. کتاب دارای یک مقدمه و شش فصل است.

در فصل اول، با عنوان «ماهیت برنامه‌ریزی درسی»، مفهوم برنامه‌ریزی درسی و تفاوت آن با برنامه‌ریزی آموزشی بررسی و تحولات و رویکردهای برنامه‌ریزی درسی مطرح شده است. در فصل دوم، با عنوان «مبانی فلسفی برنامه‌ریزی درسی»، از فلسفه و رابطه آن با برنامه‌ریزی درسی و چند مکتب فلسفی مهم و دیدگاه‌های تربیتی مربوط به آن‌ها صحبت شده است.

در فصل سوم، با عنوان «مبانی روان‌شناختی برنامه‌ریزی درسی»، روان‌شناسی و ارتباط آن با برنامه‌ریزی درسی، نظریات متعدد یادگیری، تفکر انتقادی و خلاق، و حل مسئله و ارتباط آن با برنامه‌ریزی درسی بررسی شده است.

در فصل چهارم، با عنوان «مبانی جامعه‌شناختی برنامه‌ریزی درسی»، جامعه‌شناسی و فرهنگ و ارتباط برنامه‌ریزی درسی با آن، جامعه در حال تغییر، و مشکلات اجتماعی در

پنج مقوله: انفجار دانش، مسائل اقتصادی، مسائل اجتماعی و جمعیتی، مسائل ناشی از تغییر سازمانی، و مسائل ارزشی بررسی شده‌اند.

فصل پنجم کتاب، با عنوان «ارزشیابی برنامه‌های درسی»، کارکردهای ارزشیابی را از دیدگاه آیزنر مطرح کرده سپس به بررسی سه نوع ارزشیابی تشخیصی، تکوینی، و تراکمی پرداخته است؛ و در آخر تحت عنوان ارزشیابی برنامه‌های درسی از ارزشیابی عملکرد دانش‌آموزان، ارزشیابی تدریس، و ارزشیابی کتاب درسی صحبت به‌میان آورده است.

در فصل ششم، با عنوان «تحلیل محتوا یا کتاب درسی»، دو شیوه متداول در تحلیل کتاب‌های درسی مطرح شده است؛ سپس، از عوامل مؤثر در طراحی و تهیه کتاب‌های درسی و همچنین از روش‌ها و فرمول‌های تعیین سطح خوانایی بحث شده است.

۳. نقد و بررسی کتاب

نقد و بررسی کتاب در دو بخش صورت گرفته است:

۱. از لحاظ ظاهری:

الف) طرح روی جلد؛

ب) تناسب‌نداشتن حجم کتاب؛

ج) قواعد ویرایش و نگارش؛

د) فهرست منابع و مآخذ.

۲. از لحاظ محتوایی:

الف) ناهماهنگی عنوان با محتوای کتاب؛

ب) سازماندهی نامناسب ارائه مطالب و بی‌توجهی به مراحل اصلی فرایند برنامه‌ریزی درسی؛

ج) تحلیل پاره‌ای از نکات علمی به‌کار رفته در کتاب.

۱،۳ از لحاظ ظاهری

۱،۱،۳ طرح روی جلد

درج عناوین فصل‌های متعدد کتاب در زیر عنوان آن که در کتاب مذکور صورت گرفته است غیر مرسوم و نابجاست؛ علاوه بر این، طرح جلد کتاب فاقد غنای تصویری و حاوی ضعف ترکیب‌بندی است.^۱

۲,۱,۳ تناسب نداشتن حجم کتاب

کتاب مذکور دارای شش فصل با حجم‌های متفاوت است: فصل اول کتاب که مهم‌ترین و مرتبط‌ترین فصل کتاب است حدود ۲۰ صفحه و حجم آن با فصل‌های دوم و پنجم کتاب برابر است؛ فصل‌های سوم و ششم هر کدام ۳۰ صفحه دارند، و فصل چهارم کتاب بیش‌ترین حجم را دارد؛ به طوری که، حدود ۴۰ صفحه از حجم ۱۷۴ صفحه‌ای کل کتاب را به خود اختصاص داده است؛ این در حالی است که فصل‌های دوم و سوم و چهارم که مجموعاً بیش از نصف حجم کتاب را به خود اختصاص داده‌اند مستقیماً با برنامه‌ریزی درسی مرتبط نیستند؛ علاوه بر این، دانشجویان گروه علوم تربیتی این مباحث را در واحدهای درسی جداگانه‌ای می‌گذرانند که تحت همین عنوان (یعنی فلسفه، روان‌شناسی، و جامعه‌شناسی) به آن‌ها عرضه می‌شود و راجع به این مباحث در واحدهای درسی جداگانه‌ای اطلاع کافی کسب می‌کنند.

اگر همان‌طور که در ابتدای کتاب در قسمت پیش‌گفتار آمده است هدف از تألیف این کتاب تأمین کتاب درسی دانشگاهی برای واحد درسی «اصول برنامه‌ریزی درسی» (در دوره کارشناسی علوم تربیتی) است، باید حجم کتاب از مقدار کنونی آن بیش‌تر باشد و با درس سه واحدی «اصول برنامه‌ریزی درسی» تناسب داشته باشد؛ در صورتی که، حجم ۱۷۴ صفحه‌ای این کتاب بیش از این که با درس سه واحدی هماهنگ باشد با درس دو واحدی هماهنگ است.

۳,۱,۳ قواعد ویرایش و نگارش

کتاب مذکور از لحاظ قواعد ویرایش نیز خالی از اشکال نیست؛ مثلاً، در پانوشت صفحه ۳۰ کتاب آمده است:

۱. افرادی چون الیوت آیزنر، گلن هس، و ویلیام ریگان از جمله هواداران این گرایش‌اند.

۲. ایوان ایلچ، پائولو فریر، و مارکانگو جز این گرایش محسوب می‌شوند.

بهرتر بود که در پانوشت ۲ مانند پانوشت ۱ به جای «جز این گرایش» از عبارت «هواداران این گرایش» استفاده می‌شد.

همچنین بعضی از جملات از لحاظ دستور زبان فارسی اشکال دارند؛ از قبیل این‌که فعل در پایان جمله قرار نگرفته است؛ مانند پاراگراف اول مبحث «گرایش مدیریتی» و

پاراگراف دوم مبحث «گرایش سیستمی» در صفحه ۲۷ کتاب، که در آن‌ها جمله با فعل پایان نپذیرفته است.

۴,۱,۳ فهرست منابع و مآخذ

نکته دیگری که باید به آن توجه کرد نحوه ذکر منابع در آخر فصل‌هاست که از چند لحاظ مورد توجه است:

۱. تعداد منابع به کار رفته در هر فصل که در قسمت پانویس کتاب به آن‌ها اشاره شده است، محدود است و با تعداد منابع ذکر شده در آخر هر فصل هم‌خوانی ندارد؛ مثلاً، در فصل دوم در قسمت پانویس همان فصل فقط سه منبع معرفی شده است در صورتی که، در انتهای همین فصل مجموعاً هفت منبع انگلیسی و فارسی معرفی شده است که معلوم نیست سایر منابع در چه قسمت از این فصل کتاب به کار رفته‌اند این وضعیت در همه فصل‌ها، به جز فصل اول، دیده می‌شود.^۲

۲. در قسمت ذکر منابع در انتهای فصل‌ها، بعضی از کتاب‌ها که ترجمه آن‌ها نیز در دسترس است در قسمت منابع فارسی و هم در قسمت منابع انگلیسی ذکر شده‌اند؛ مثلاً، در صفحه ۸۶ در قسمت ذکر منابع فصل سوم، کتاب *مبانی فلسفی، روان‌شناختی، و اجتماعی برنامه درسی نوشته آلن سی. ارنشتاین و فرانسیس پی. هانکینس* علاوه بر این که در منابع فارسی ذکر شده، در منابع انگلیسی هم ذکر شده است.

۳. همچنین در صفحه ۱۶۴ کتاب، منبع فرمول فلش *نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران* ذکر شده است و منبع اصلی «که ترجمه نشده است» فقط برای مطالعه بیش تر معرفی شده است، ولی در قسمت ذکر منابع در پایان همان فصل، از *نشریه علوم تربیتی دانشگاه تهران* نامی برده نشده و به جای آن منبع اصلی یعنی:

Flesch R.A., 'New Readability Yardstick', *Journal of Applied Psychology*.

معرفی شده است.

۲,۳ از لحاظ محتوایی

۱,۲,۳ ناهماهنگی عنوان با محتوای کتاب

با توجه به این که قسمت اعظم حجم کتاب (فصل‌های دوم و سوم و چهارم کتاب که به ترتیب درباره فلسفه، روان‌شناسی، و جامعه‌شناسی‌اند) مستقیماً به برنامه‌ریزی درسی

مرتبط نمی‌شود و بیش‌تر با مبانی برنامه‌ریزی درسی مرتبط است، همچنین با توجه به این‌که برنامه‌ریزی درسی و مراحل آن به‌وضوح در کتاب مشخص نشده‌اند و از اصول برنامه‌ریزی درسی هم (به جز یک صفحه‌ای که در پایان فصل اول ذکر شده است) صحبتی به‌میان نیامده است،^۳ و بیش از آن‌که از برنامه‌ریزی درسی و اصول آن صحبت شود از مبانی برنامه‌ریزی درسی و اصول آن صحبت شده است انتخاب نام/اصول برنامه‌ریزی درسی برای کتاب نامناسب به‌نظر می‌رسد.

۲،۲،۳ سازمان‌دهی نامناسب

کتاب درچه‌ای است به سوی جهان شگفت‌انگیز علم و معرفت که در صورت غنی‌بودن می‌تواند ذهن‌های تشنه را سیراب کند و راهگشای آیندگان باشد، ولی عاملی که کتاب را به ورطه کم‌مایگی و سطحی‌نگری می‌کشاند نوع نگرش نویسنده است.

کتاب/اصول برنامه‌ریزی درسی مذکور هر چند با هدف تبیین برنامه‌ریزی درسی تألیف شده است، ولی به جز فصل اول که درباره مفهوم برنامه‌ریزی درسی و رویکردهای آن است عملاً از فصل دوم به بعد، سه فصل از کل شش فصل کتاب یعنی ۹۱ صفحه از کل ۱۷۴ صفحه، که بیش از نصف حجم کتاب را تشکیل می‌دهد به مبانی برنامه‌ریزی درسی اختصاص داده شده است که مستقیماً به برنامه‌ریزی درسی مربوط نیست؛ بعد از اتمام این فصول بدون این‌که از مراحل فرایند برنامه‌ریزی درسی که در کل شامل چهار مرحله (۱). تعیین اهداف؛ ۲. طراحی برنامه درسی؛ ۳. اجرای برنامه درسی؛ و ۴. ارزشیابی برنامه درسی) است، صحبتی به‌عمل آید به یک‌باره در فصل پنجم از چهارمین مرحله فرایند برنامه‌ریزی درسی یعنی ارزشیابی صحبت شده و پس از آن در فصل ششم از تحلیل محتوا و کتاب درسی بحث شده است.

اگر چه این کتاب در نگاه اول خواننده را مجذوب خود می‌کند، ولی در عمل نمی‌تواند برداشت درستی از مفهوم برنامه‌ریزی درسی (برنامه درسی) و مراحل آن ارائه دهد؛ مخصوصاً برای دانشجویان که هنوز ذهنیت درستی نسبت به مفهوم برنامه‌ریزی درسی ندارند.

البته صحبت از مبانی برنامه‌ریزی درسی بی‌ارتباط با موضوع نیست، ولی تخصیص بیش از نیمی از حجم کتاب به مبانی باعث شده است که موضوع اصلی مورد بی‌توجهی قرار گیرد، و بیش از آن‌که به اصل مطلب و مراحل برنامه‌ریزی درسی توجه شود به حاشیه و

مبانی پرداخته شده است. نادیده گرفتن سه مرحله از چهار مرحله فرایند برنامه‌ریزی درسی بدون کوچک‌ترین اشاره‌ای به آن‌ها چهارچوب ذهنی دانشجویان را به هم می‌ریزد و نمی‌تواند راهگشای آنان باشد.

یک کتاب علمی باید بتواند امکان فهم و درک عمیقی از مفهوم مورد نظر را برای خوانندگان خود فراهم کند؛ در صورتی که، مطالب به طور ناقص و بدون توجه به نظم واقعی آن‌ها ارائه شوند منجر به درک درستی نخواهند شد و در صورتی که، دانشجویان درک درستی از محتوای کتاب‌ها نداشته باشند یاد می‌گیرند که مطالب را حفظ کنند و در نهایت معمای برنامه‌ریزی درسی همچنان برای آنان حل نشده باقی می‌ماند.

همچنین «تحلیل محتوای برنامه یا کتاب درسی» که در فصل ششم صورت گرفته در واقع نوعی ارزشیابی است که مختص کتاب است، ولی ارزشیابی در فرایند برنامه‌ریزی درسی فقط شامل ارزشیابی از کتاب نیست و می‌تواند شامل ارزشیابی از آموزش، طرح برنامه درسی، شیوه‌های مدیریتی، و ... و در نهایت ارزشیابی از کل فرایند برنامه‌ریزی درسی و هر مرحله از آن باشد؛ بنابراین بهتر است که ارزشیابی از کتاب (که محصول طراحی برنامه‌ریزی درسی است) قبل از ارزشیابی از کل فرایند برنامه‌ریزی درسی صورت گیرد؛ یعنی بهتر بود که فصل ششم قبل از فصل پنجم قرار می‌گرفت و یا حذف می‌شد.^۴

علاوه بر این، با این‌که عنوان «ارزشیابی برنامه‌های درسی» برای فصل پنجم در نظر گرفته شده است، ولی محتوای این فصل بیش‌تر شامل ارزشیابی از آموزش است تا ارزشیابی از برنامه‌های درسی، چراکه در فصل مذکور به انواع ارزشیابی آموزشی توجه شده، ولی هیچ اشاره‌ای به ارزشیابی برنامه‌های درسی و شیوه‌های متفاوت این نوع ارزشیابی نشده است.

۳،۲،۳ تحلیل پاره‌ای از نکات علمی به کار رفته در کتاب

۱،۳،۲،۳ برنامه درسی پنهان

مؤلف محترم به نقل از رونالد دال می‌نویسد:

هر مدرسه دارای یک برنامه درسی طراحی شده و رسمی، و یک برنامه درسی طراحی نشده، غیر رسمی و پنهان است. برنامه درسی طراحی شده، محتوا، اهداف، مقاصد موضوعات درسی و سازماندهی آموزشی را دربر می‌گیرد و برنامه درسی طراحی نشده یا پنهان، تمایلات روان‌شناختی، هنجارها و پویایی گروه و به‌ویژه احساسات، نگرش‌ها، و علائق موجود در میان معلمان و دانش‌آموزان را دربر می‌گیرد (رونالد دال به نقل از یار محمدیان، ۱۳۷۷: ۱۸).

در متن بالا برنامه درسی پنهان نه تنها به دانش‌آموزان، بلکه به معلمان هم اختصاص داده شده است؛ در صورتی که، مفهوم برنامه درسی پنهان را که اولین بار «اورلی» (overly) مطرح کرده است (طالب‌زاده نوبریان و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۲: ۱۶۸) فقط در مورد دانش‌آموزان کاربرد دارد و در هیچ کتاب دیگری این مفهوم در مورد معلمان به‌کار برده نشده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۱: ۶۳۷؛ طالب‌زاده نوبریان و فتحی واجارگاه، ۱۳۸۲: ۱۶۷؛ گوتهک، ۱۳۸۰: ۲۲۶؛ سیلور و دیگران، ۱۳۷۸: ۲۴۶).

در ضمن اگر منظور نویسنده تعامل بین دانش‌آموز و معلم باشد، باز هم نمی‌تواند درست باشد زیرا برنامه درسی پنهان تنها به این معنی به‌کار نمی‌رود و دارای مفهومی وسیع‌تر و گسترده‌تر از تعامل بین معلم و دانش‌آموز است. هرچند مفهوم برنامه درسی پنهان در کتاب مذکور با استناد به گفته رونالد دال ذکر شده است، ولی صرف این‌که نویسنده‌ای خارجی مطلبی را بیان کرده باشد دلیل بر درستی آن مطلب نیست و لازم است صحت مطلب مورد بررسی قرار گیرد سپس در کتاب درج شود.

۲,۳,۲,۳ برنامه‌ریزی آموزشی و درسی

مطلب دیگری که در این کتاب شایان ذکر و بررسی است مربوط به توضیحی است که نویسنده درباره ارتباط برنامه‌ریزی درسی و آموزشی ذکر کرده است که در این‌جا عیناً نقل می‌شود:

ذکر این نکته در این‌جا ضروری است که با همه این تفاوت‌ها، این دو جریان، درهم‌تنیده و بهم مربوطاند و به نظر برخی نویسندگان و استادان علوم تربیتی تفاوت چندانی بین این دو نوع برنامه‌ریزی وجود ندارد آن‌ها معتقدند که این دو مفهوم مانند دو روی یک سکه هستند و تفاوت‌های میان آن‌ها چندان عمیق و اساسی نیست. این افراد در عناوین کتاب‌های خود به فارسی عنوان برنامه‌ریزی درسی و آموزشی را که دربردارنده هر دو مفهوم باشد به‌کار می‌برند (یارمحمدیان، ۱۳۷۷: ۲۱).

هرچند تقی‌پور در صفحه سیزده پیش‌گفتار کتاب مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی را دو روی یک سکه دانسته است، اما به‌هیچ‌وجه مطرح نکرده است که «تفاوت چندانی بین این دو نوع برنامه‌ریزی وجود ندارد»؛ ایشان به‌وضوح هر دو نوع برنامه‌ریزی را توضیح داده و نوشته است:

برنامه‌ریزی درسی و آموزشی در واقع دو روی یک سکه‌اند با این تفاوت که برنامه‌ریزی آموزش و پرورش ناظر بر تمام انواع و سطوح مختلف آموزش و پرورش است که با

توجه به جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، هنری و منابع مالی و نیروی انسانی قوم و ملتی انجام می‌گیرد؛ در صورتی که، برنامه‌ریزی درسی شامل پیش‌بینی طرح‌هایی است که مدارس به‌عنوان وسیله‌ای برای نیل به مقاصد خود مورد استفاده قرار می‌دهند (تقی‌پور ظهیر، ۱۳۷۶: ۱۳).

اگر تقی‌پور کتاب خود را *برنامه‌ریزی آموزشی و درسی* نامیده است نه به این معنی که تفاوت چندانی بین این دو نوع برنامه‌ریزی نمی‌بیند، بلکه علت نام‌گذاری کتاب با این اسم، درس دو واحدی تحت عنوان «مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی و درسی» است که برای دوره کارشناسی علوم تربیتی در نظر گرفته شده است و همان‌طور که، در پیش‌گفتار کتاب آمده این کتاب بدین‌منظور تألیف شده است. همان‌طور که، فیوضات مطرح می‌کند:

مفاهیم برنامه‌ریزی به یک‌دیگر بسیار نزدیک و مرتبط‌اند، ولی هر یک زمینه مشخص و مخصوص دارند و بهتر است از یک‌دیگر تمیز داده شوند ... دامنه برنامه‌ریزی آموزش و پرورش از برنامه‌ریزی درسی، طرح‌ریزی آموزشی، و برنامه‌ریزی نیروی انسانی وسیع‌تر است؛ به بیان دیگر، می‌تواند شامل هر یک از آن‌ها باشد ولی محدود به هیچ‌یک نیست (فیوضات، ۱۳۸۵: ۳۵، ۳۷).

بنابراین طبق توضیحات گفته‌شده برنامه‌ریزی آموزشی خیلی وسیع‌تر از برنامه‌ریزی درسی است و نمی‌توانیم بگوییم که این دو نوع برنامه‌ریزی تفاوت‌های عمیق و اساسی ندارند؛ در واقع این گفته کسی است که درک عمیقی از این دو مفهوم نداشته و به یک برداشت سطحی اکتفا کرده است.

برنامه‌ریزی آموزشی با انواع و سطوح مختلف برنامه‌ریزی در ارتباط است و به تحلیل نظام‌دار و منطقی مسائل و مشکلات نظام آموزش و پرورش و تعیین میزان تحقق اهداف آن می‌پردازد. تعیین اهداف آموزشی جنبه سیاسی دارد و معمولاً برنامه‌ریزی آموزشی برای تعیین اهداف آموزشی با سیاست‌مداران در ارتباط است، اما برنامه‌ریزی درسی با انتخاب، سازماندهی، و تهیه محتوای برنامه‌های درسی ارتباط دارد و به کلاس درس و آنچه درون آن می‌گذرد مربوط می‌شود.

مهرمحمدی درباره رابطه میان رشته برنامه درسی و برنامه‌ریزی آموزشی می‌نویسد:

رابطه میان رشته برنامه درسی و رشته برنامه‌ریزی آموزشی ... موضوعی کاملاً ایرانی است ... حوزه برنامه درسی و آموزشی دو قلمرو تخصصی مستقل از یک‌دیگرند که استقلال آن‌ها از یک‌دیگر در دنیا به رسمیت شناخته شده است (مهرمحمدی، ۱۳۸۱: ۶۲-۶۳).

در انتها باید گفت که چهارچوب کلی کتاب مذکور به کتاب *مبانی فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی برنامه‌ریزی درسی*، نوشته آلن سی. ارنشتاین و فرانسیس پی. هانکینس با ترجمه سیاوش خلیلی شورینی که در ۱۳۷۳ منتشر شده است، شباهت زیادی دارد. کتاب *مبانی فلسفی ترجمه شورینی* دارای چهار فصل (۱. حوزه برنامه‌ریزی؛ ۲. مبانی فلسفی؛ ۳. مبانی روان‌شناختی؛ ۴. مبانی اجتماعی) است که عناوین و محتوای چهار فصل این کتاب شباهت زیادی به چهار فصل اول کتاب یارمحمدیان دارد. این شباهت زیاد بین کتاب ترجمه شورینی و کتاب یارمحمدیان باعث می‌شود که خواننده احساس کند نوعی دوباره‌کاری صورت گرفته است، که هیچ نوع ابداعی هم در آن نیست؛ همچنین، بسیاری از مطالب مخصوصاً در فصل اول کتاب عیناً تکرار مطالب کتاب شورینی است، اما در قسمت منابع فصل اول این کتاب ذکر نشده و به جای منبع فارسی منبع انگلیسی (Ornstein, Allan C. and Hunkins, Francis P.) آن آمده است؛ این در حالی است که نویسنده در منابع فصل سوم (صفحه ۸۶ کتاب یارمحمدیان) کتاب شورینی را جز منابع فارسی ذکر کرده است و این نشان می‌دهد که مؤلف از ترجمه این کتاب آگاهی داشته است و از این کتاب ترجمه‌شده در تألیف کتابش استفاده کرده است.

مثلاً، مفهوم برنامه‌ریزی پنهان (در این کتاب نیز به معلم و دانش‌آموز نسبت داده شده است) صفحه ۱۸ کتاب یارمحمدیان در صفحه ۳۶ کتاب شورینی نیز به نقل از رونالد دال نوشته شده است.

عنوان «گرایش رفتاری» صفحه ۲۶ کتاب مذکور با عنوان «رهیافت رفتاری» صفحه ۲۰ کتاب شورینی هم‌خوانی دارد و از خط سوم پاراگراف اول کتاب شورینی «این رهیافت» که در کتاب یارمحمدیان به صورت «این گرایش» نوشته شده تا آخر پاراگراف و دو خط اول پاراگراف دوم، کل مطالب مبحث گرایش رفتاری کتاب یارمحمدیان را تشکیل داده است.

عنوان «گرایش مدیریتی» صفحه ۲۷ کتاب یارمحمدیان با عنوان «روش مبتنی بر مدیریت» صفحه ۲۲ کتاب شورینی هم‌خوانی دارد و مطالب بدین شرح تکرار شده‌اند: خط اول اولین پاراگراف کتاب یارمحمدیان با خط اول اولین پاراگراف همین مبحث کتاب شورینی، خط دوم اولین پاراگراف کتاب یارمحمدیان با خط چهارم اولین پاراگراف همین مبحث کتاب شورینی، خط سوم اولین پاراگراف کتاب یارمحمدیان با خط سوم پاراگراف سوم صفحه ۲۳ کتاب شورینی، خط چهارم و پنجم کتاب یارمحمدیان با دو خط اول

پاراگراف ششم صفحه ۲۴ کتاب شورینی، و خط ششم و هفتم و هشتم کتاب یارمحمدیان با کل پاراگراف چهارم صفحه ۲۵ کتاب شورینی هم خوانی دارد.

همچنین عنوان «گرایش سیستمی» در صفحه ۲۷ کتاب یارمحمدیان با عنوان «شیوه نظام دار» صفحه ۲۵ کتاب شورینی هم خوانی دارد و مطالب بدین شرح تکرار شده اند: خط اول اولین پاراگراف کتاب یارمحمدیان با خط سوم اولین پاراگراف کتاب شورینی، خط دوم و سوم اولین پاراگراف کتاب یارمحمدیان «مهندسی برنامه ریزی» با خط دوم و سوم اولین پاراگراف صفحه ۲۶ کتاب شورینی، خط سوم و چهارم کتاب یارمحمدیان با دو خط اول پاراگراف دوم صفحه ۲۶ کتاب شورینی، سه خط پاراگراف بعدی کتاب یارمحمدیان با کل پاراگراف پنجم صفحه ۲۷ کتاب شورینی هم خوانی دارد.

مبحث «گرایش علمی» صفحه ۲۸ کتاب یارمحمدیان با عنوان «نگرش علمی» صفحه ۲۸ کتاب شورینی هم خوانی دارد و مطالب بدین شرح تکرار شده اند:

خط اول پاراگراف اول کتاب یارمحمدیان با خط دوم پاراگراف اول کتاب شورینی، خط اول پاراگراف دوم کتاب یارمحمدیان با خط اول پاراگراف دوم کتاب شورینی هم خوانی دارد. مبحث «گرایش انسان گرا» در صفحه ۲۹ کتاب یارمحمدیان با مبحث «رهیافت انسان گرایانه» صفحه ۲۹ کتاب شورینی هم خوانی دارد و مطالب بدین ترتیب تکرار شده اند: پاراگراف اول هر دو مبحث به هم شبیه اند، خط اول پاراگراف دوم کتاب یارمحمدیان با خط اول پاراگراف دوم کتاب شورینی، بقیه پاراگراف دوم کتاب یارمحمدیان با پاراگراف سوم صفحه ۳۰ کتاب شورینی، پاراگراف سوم این مبحث کتاب یارمحمدیان با خط دوم پاراگراف چهارم صفحه ۳۰ کتاب شورینی، جمله «در این گرایش نه تنها ... بلکه کل کودک ...» در خط سوم پاراگراف سوم کتاب یارمحمدیان با خط پنجم پاراگراف دوم صفحه ۳۱ کتاب شورینی، و آخر پاراگراف سوم همین مبحث کتاب یارمحمدیان یعنی از «هر کودک ...» با دو خط آخر پاراگراف سوم صفحه ۳۱ کتاب شورینی هم خوانی دارد.

عنوان «گرایش بازسازان مفهومی» در صفحه ۳۰ کتاب یارمحمدیان با عنوان «بازسازان مفهومی» در صفحه ۳۲ کتاب شورینی هم خوانی دارد و مطالب بدین شرح تکرار شده اند: کل پاراگراف اول کتاب یارمحمدیان با خط دوم به بعد پاراگراف اول کتاب شورینی، خط دوم و سوم پاراگراف دوم کتاب یارمحمدیان با خط دوم و سوم پاراگراف دوم همین مبحث کتاب شورینی، دو خط اول پاراگراف سوم کتاب یارمحمدیان با دو خط آخر پاراگراف دوم صفحه ۳۳ کتاب شورینی هم خوانی دارد.

در بقیه فصل‌های کتاب نیز مباحث مشابهی مطرح شده است؛ مثلاً، در فصل چهارم مطالبی از مبحث «انفجار دانش» صفحه ۱۰۴ کتاب یارمحمدیان با مبحث «انفجار دانش» صفحه ۱۸۴ کتاب شورینی به هم شبیه‌اند.

۴. نتیجه‌گیری

۱. از آن‌جا که این کتاب به‌منزله منبع درسی دانشگاهی (برای گروه علوم تربیتی) معرفی شده است توصیه می‌شود به سرفصل‌هایی که شورای عالی برنامه‌ریزی در این زمینه ارائه کرده است توجه شود و به سایر مراحل برنامه‌ریزی درسی نیز در کتاب مذکور مباحثی اختصاص داده شود؛ در عین حال، فصل‌هایی از کتاب که ارتباط کم‌تری با موضوع برنامه‌ریزی درسی دارند کم‌حجم‌تر یا حذف شوند.
۲. با توجه به این‌که کشور ما دارای تصویرسازان حرفه‌ای در معیارهای جهانی است بهتر است برای تصویر روی جلد کتاب از متخصصان این رشته کمک گرفته شود.
۳. توصیه می‌شود در انتخاب عنوان کتاب دقت بیشتری شود؛ به طوری که، عنوان آن با محتوا هماهنگ باشد.
۴. به یک برداشت سطحی از ترجمه متون خارجی یا نقل قول مطالب اکتفا نشود و نخست صحت و سقم مطالب بررسی، آن‌گاه در کتاب درج شود.
۵. چون در مراحل برنامه‌ریزی درسی ارزشیابی آخرین مرحله است توصیه می‌شود فصل مربوط به ارزشیابی در انتهای کتاب قرار گیرد.
۶. همچنین توصیه می‌شود در بیان منابع دقت بیشتری شود؛ در صورتی که، از کتاب ترجمه‌شده‌ای استفاده می‌شود همان کتاب معرفی شود نه کتاب اصلی که به زبان خارجی است.
۷. با توجه به تنوع مطالب کتاب در صورتی که، ایرادهای کتاب برطرف شوند و به سایر مراحل برنامه‌ریزی هم توجه شود می‌تواند به‌منزله یک کتاب کمک‌درسی مفید باشد.

پی‌نوشت

۱. چراکه ترکیب انسجام‌نیافته‌ای از عناصر انتزاعی دویعدی و سه‌بعدی (خط و مکعب) با فرم‌های طبیعی (دست، خودنویس، کاغذ و سایه‌هایشان) است که، در جایی محو و در

جایی دیگر با وضوحی بی معنا و بی هدف، بیش از این که برطرف کننده ابهام برنامه ریزی درسی باشند الفاکننده مفهومی تاریک و متزلزل از برنامه ریزی درسی اند. پس زمینه جلد کتاب از پارچه گونی متخلخل و سستی به رنگ نامأنوس سبز تدارک دیده شده است که دستی مبهم خودنویسی (یادگار گذشته) را با سایه‌ای واضح به روی کاغذ، در جهتی ناهماهنگ با دید، نگه داشته است. کادری مربع به صورت کج و نامتعادل دست را احاطه کرده است و دور این هر دو را مکعب‌های معلق و پراکنده سه بعدی، با سایه‌های بی هدف و ناهماهنگشان بدون القای هیچ مفهومی، احاطه کرده‌اند که تنها موجبات تشتت ذهن بینندگان را فراهم می‌کنند. طرح روی جلد به اختصار به بازی کامپیوتری هنرجوی تازه کاری می‌ماند که از وظیفه خطیر جذب بینندگان و ترجمه تصویری محتوای کتاب بر روی جلد آن بی اطلاع بوده است.

۲. مثلاً در فصل ششم کتاب از مجموع هفده منبع ذکر شده در انتهای فصل فقط پنج منبع در پانوشت این فصل معرفی شده است و معلوم نیست بقیه منابع در کجای این فصل مورد استفاده قرار گرفته‌اند یا به چه علت در قسمت پانوشت کتاب ذکر نشده‌اند.

۳. البته نویسنده در پایان فصل‌های دوم و سوم و چهارم صفحه‌ای را به اصول برنامه ریزی درسی اختصاص داده است که به موضوع مطرح شده در آن فصل‌ها (یعنی مبانی برنامه ریزی درسی) مربوط است؛ مثلاً، در پایان فصل دوم که مبحث فلسفی است صفحه‌ای به اصول فلسفی برنامه ریزی درسی اختصاص داده شده است که همان‌طور که از نامش پیداست، مربوط به مبانی فلسفی برنامه ریزی درسی است.

۴. هرچند بعضی از اساتید و مؤلفان در کتاب خود از مبحث «تحلیل محتوا» بحث می‌کنند، اما در بیش تر کتاب‌های برنامه ریزی درسی که به انگلیسی نوشته شده‌اند کم تر فصلی تحت عنوان «تحلیل محتوا» آمده است؛ اصولاً، این بحث مربوط به رشته علمی ارتباطات است و امروزه هم در کارهای نویسندگان انگلیسی زبان و فارسی زبان کتاب‌های مستقلی در این زمینه در دسترس است.

منابع

- ارنشتاین، آلن سی. و فرانسیس پی. هانکینس (۱۳۷۳). مبانی فلسفی، روان‌شناختی و اجتماعی برنامه درسی، ترجمه سیاوش خلیلی شورینی، تهران: یادواره کتاب.
- تقی‌پور ظهیر، علی (۱۳۷۶). مقدمه‌ای بر برنامه ریزی آموزشی و درسی، تهران: آگاه.
- سیلور، جی. گالن، ویلیام ام. الکساندر، و آرتور جی. لوئیس (۱۳۷۸). برنامه ریزی درسی برای تدریس و یادگیری بهتر، ترجمه غلامرضا خوی‌نژاد، مشهد: آستان قدس رضوی.

۳۲ بررسی و نقد کتاب/اصول برنامه‌ریزی درسی

- طالب‌زاده نویریان، محسن و کورش فتحی و اجارگاه (۱۳۸۲). مباحث تخصصی برنامه‌ریزی درسی، تهران: آبیژ. فیوضات، یحیی (۱۳۸۵). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: ویرایش.
- گوتک، جرالده (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آرای تربیتی، ترجمه محمدجعفر پاک‌سرشت، تهران: سمت.
- مهرمحمدی، محمد (۱۳۸۱). برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، مشهد: آستان قدس رضوی.
- یارمحمدیان، محمدحسین (۱۳۷۷). اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران: یادواره کتاب.

